

## حجیت قیاس و همانندی آن با اصول عملیه در امامیه

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: برخی از پژوهشگران برای قیاس و استحسان و... این گونه نظریه پردازی می کنند که این موارد مقابل سنی اصول عملیه در فقه شیعی هستند و می گویند: همانطور که بر حجیت استصحاب مثلا نزد شیعه دلیل اقامه شده، نزد اهل سنت برای قیاس اقامه شده است. بله، می توان در تمامیت دلیل بر قیاس مناقشه کرده اما این بحث دیگری است، نظر شما در این رابطه چیست؟

پاسخ: این سخن، از جهتی درست و از جهت دیگر درست به نظر نمی رسد:

أ- اما وجه درست آن، این است که اهل سنتی که به قیاس عمل می کنند ادله ای بر حجیت قیاس آورده و مخالفین با قیاس نیز این ادله را مورد مناقشه قرار می دهند و آن ها را نادرست می دانند. اما گروهی از مخالفین قیاس - مثل برخی از خود اهل تسنن - قیاس را از موضع عدم وجود دلیلی بر ارزش و اعتبار و حجیت آن در استنباط احکام شرعی، رد می کنند در حالی که گروهی دیگر - مثل جمهور امامیه - تنها از خاستگاه عدم قیام دلیل

---

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدین والاجتماع ۱: سوال ۱۶۸.

بر حجیت آن با آن مخالفت نمی کنند بلکه معتقد ادله ی خاصی وجود دارد که به عنوان خاص از قیاس نهی و منع می کند و این ادله ی خاص روایاتی است که از ائمه اهل بیت که شیعه به مرجعیت علمی معصوم آن ها در دین اعتقاد دارد به ما رسیده است. چرا که این روایات متعدد به شدت از استخدام قیاس در دین نهی کرده اند و بر این نکته تاکید دارند که این مسیر درستی در فهم اسلام نیست بلکه مسیر مضری است که موجب محق دین و الغای آن می شود. امری که به طریق اولی نشان از عدم حجیت آن دارد.

بنابراین اختلاف طرفداران قیاس و مخالفان آن در وجود دلیل بر صحت و بطلان آن از یک سو و در وجود دلیل بر مضر بودن و عدم اعتبار آن از سوی دیگر است. همین مسئله باعث شده موضع گیری خاصی علیه قیاس در منظومه فکری شیعه به وجود آید به نحوی که به آن به عنوان یک دلیل که صرفاً حجیت آن در استنباط احکام به اثبات نرسیده نگاه نمی شود و به همین دلیل می بینیم اصولیون قائل به انسداد کبیر در باب علم و علمی که قائل به حجیت هر گونه ظنی هستند در حجیت ظن قیاسی بحث می کنند که حجت است یا خیر؟ و دلیل این اختلاف این است که قیاس مثل خبر واحد، صرفاً یک راه برای شناخت احکام که حجیتش اختلافی است نمی باشد بلکه راهی است که نص خاص بر مضر بودن و نهی از آن و لزوم اجتناب از آن داریم که مانع از این می شود که دلیل انسداد شاملش شود.

ب- نکته دیگری که در متن سؤال آمده و اشتباه است این است که نباید قیاس را با اصول عملیه در شیعه قیاس نمود و به آن تشبیه کرد زیرا اصول عملیه تعیین کننده وظیفه فرد هنگام فقدان دلیل- حتی دلیل ظنی معتبر- است اما قیاس در نظر موافقین آن جزو امارات یعنی ادله ظنی که دلیل خاص بر حجیت آن وجود دارد، می باشد لذا اگر هم بخواهیم قیاس را به چیزی در اصول فقه شیعه تشبیه نماییم باید آن را به حجیت خبر واحد یا حجیت ظهور ظنی و مشابه آن تشبیه نماییم نه به أمثال استصحاب که بنا بر مشهور یک اصل عملی است نه اماره البته تفاوت میان قیاس و خبر واحد را که بدان اشاره نمودیم را نباید از نظر دور داشت.